

تأثیر فعالیت بدنی منظم بر تغییرات سطح سرمی عامل رشد عصبی مشتق از مغز، بهره هوشی و تبحر حرکتی کودکان کم‌توان ذهنی

امین عیسی نژاد^۱، عبدالحسین پرنو^۲، عبدالرضا کاظمی^۳، رسول اسلامی^۴، شیوا پیری^۵، سیده آزاده حسینی^۶

۱. استادیار فیزیولوژی ورزشی، دانشگاه شاهد*

۲. استادیار فیزیولوژی ورزشی، دانشگاه رازی کرمانشاه

۳. استادیار فیزیولوژی ورزشی، دانشگاه ولی عصر رفسنجان

۴. استادیار فیزیولوژی ورزشی، دانشگاه علامه طباطبایی

۵. کارشناسی ارشد رفتار حرکتی، دانشگاه شاهد

۶. کارشناسی ارشد فیزیولوژی ورزشی، دانشگاه رازی کرمانشاه

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۲۴

چکیده

فعالیت ورزشی از طریق تحریک ترشح عوامل رشد عصبی بر عملکرد حرکتی و شناختی اثرگذار می‌باشد. در این راستا، هدف از پژوهش حاضر بررسی اثر ۱۲ هفته فعالیت ورزشی بر سطوح سرمی عامل رشد عصبی مشتق از مغز و تبحر حرکتی کودکان کم‌توان ذهنی بود. بدین منظور، ۴۰ دانش‌آموز پسر (۱۲-۶ سال) کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر به صورت هدفمند انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه شاهد (۲۰ نفر) و تجربی (۲۰ نفر) قرار گرفتند. برنامه فعالیت ورزشی شامل انجام حرکات ریتمیک مختلف و بازی به مدت ۱۲ هفته و به صورت چهار جلسه ۴۵ دقیقه‌ای در هفته بود. ۴۸ ساعت قبل از اولین جلسه و ۴۸ ساعت پس از آخرین جلسه تمرینی از تمامی آزمودنی‌ها در حالت ناشتا خون‌گیری به عمل آمد. همچنین، سطوح سرمی عامل رشد عصبی مشتق از مغز با استفاده از روش الایزا و تبحر حرکتی از طریق مقیاس لینکلن - اوزرتسکی سنجیده شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز آزمون تحلیل کوواریانس مورد استفاده قرار گرفت ($P \leq 0.05$). نتایج نشان می‌دهد که سطوح سرمی عامل رشد عصبی مشتق از مغز پس از اجرای یک دوره فعالیت ورزشی منظم افزایش معناداری یافته است و نمره کلی آزمون تبحر حرکتی نیز در گروه تمرینات ورزشی به صورت معناداری بهبود پیدا کرده است ($P \leq 0.05$). از سوی دیگر، بهره هوشی در هیچ‌یک از گروه‌ها تغییر معناداری را نشان نمی‌دهد؛ در نتیجه، فعالیت ورزشی منظم ممکن است به واسطه افزایش سطح عامل رشد عصبی مشتق از مغز موجب بهبود تبحر حرکتی کودکان کم‌توان ذهنی شود.

واژگان کلیدی: فعالیت بدنی، عامل رشد عصبی مشتق از مغز، بهره هوشی، تبحر حرکتی، کم‌توان ذهنی

مقدمه

براساس تعریف انجمن کم‌توانی ذهنی آمریکا، کم‌توانی ذهنی معلولیتی است که با محدودیت‌های قابل‌توجهی در عملکرد ذهنی و رفتار سازشی همراه بوده و در سن کمتر از ۱۸ سالگی در مهارت‌های انطباقی مفهومی، اجتماعی و عملکردی آغاز می‌شود (۱). نقص اجرای مهارت‌های حرکتی درشت، درک فضایی، زمانی، جسمانی و جهت‌یابی و اختلال مهارت‌های حرکتی ظریف از جمله ویژگی‌های کودکان مبتلا به نشانگان کم‌توانی ذهنی بوده و این مشکلات منجر به فقر حرکتی، ضعف جسمانی و انجام ناشیانه اعمال حرکتی در این گروه از افراد خواهد شد (۲). براساس شواهد موجود، کودکان کم‌توان ذهنی دارای نقص‌هایی در فرایندهای حسی - عصب‌شناختی، یکپارچگی - ادراکی و مهارت‌های حرکتی مؤثر بر رشد می‌باشند. همچنین، این افراد در مقایسه با کودکان سالم، درنکیده به‌نظر می‌رسند؛ اما مشخص نمی‌باشد که این مسأله تا چه حد ناشی از فرایندهای حسی - عصب‌شناختی، یکپارچگی - ادراکی و یادگیری مهارت‌های حرکتی است (۳). استفاده از فعالیت‌های ورزشی (حرکات موزون و بازی) نقش مهمی در بهبود توانایی‌های حرکتی کودکان کم‌توان ذهنی دارد. همچنین، حرکات ریتمیک بخش مهمی از یک برنامه فعالیت بدنی متعادل بوده و واکنش نسبت به موسیقی از طریق حرکت، یک نیاز طبیعی برای بیان خود می‌باشد که باید در تمام افراد از جمله افراد کم‌توان ذهنی شناخته و آشکار شود. مهم‌ترین فایده حرکات ریتمیک، کمک به این کودکان برای لذت‌بردن از خوشی حاصل از حرکت بوده و فواید جسمی آن شامل: افزایش آگاهی حسی و فضایی، آمادگی جسمانی و مهارت‌های حرکتی پایه می‌باشد (۴). علاوه بر این، فعالیت‌های ورزشی و اجرای مهارت‌های حرکتی ساده و پیچیده می‌تواند به بهبود رشد ادراکی - حرکتی افراد؛ به‌ویژه کودکان مبتلا به اختلالات ادراکی - حرکتی کمک کند (۵)؛ برای مثال، رحبان‌فرد و همکاران (۱۹۹۸) در پژوهش خود تأثیر مثبت فعالیت بدنی بر بهبود تعادل ایستا و پویا و نیز هماهنگی کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر را گزارش کردند (۶).

طی دهه‌های گذشته، فواید فعالیت ورزشی بر سلامت و عملکرد مغز نشان داده شده است (۷). فعالیت‌های حرکتی - ورزشی به‌واسطه فعال‌سازی سیستم عصبی و ارتباطات آن در سراسر بدن، شرایط یادگیری حرکتی و شناختی را فراهم می‌سازد و انجام فعالیت ورزشی و حرکت، یکی از بهترین شیوه‌های افزایش قابلیت‌های مغز و ایجاد بستر مناسب برای یادگیری مطلوب می‌باشد (۸). علاوه بر این، فعالیت ورزشی منظم به‌عنوان یک شاخص کلیدی در بهبود عملکرد شناختی افراد مورد توجه قرار گرفته است (۹). اعتقاد بر این است که فعالیت بدنی و بازی، نقش مهمی در بلوغ طبیعی و عملکرد اجرایی کودکان دارند (۱۰). در ارتباط با تأثیر فعالیت بدنی بر عملکرد شناختی و

پیشرفت تحصیلی کودکان، سیبلی و اتنیر^۱ (۲۰۰۳) در یک مطالعه فراتحلیل با بررسی ۴۴ پژوهش صورت گرفته در این زمینه و با مشاهده اندازه اثر حدود (۰/۳۲) گزارش کردند که فعالیت بدنی به شکل معناداری با عملکرد شناختی کودکان مرتبط می باشد و این اندازه اثر برای مهارت های حرکتی (۰/۴۹) و بهره هوشی (۰/۳۴) بیشترین میزان را نشان داده بود (۱۰). در برخی از مطالعات، اندازه گیری بهره هوشی به عنوان یکی از شاخص ها برای بررسی تأثیر فعالیت ورزشی بر عملکرد شناختی مورد استفاده قرار گرفته است. در این راستا، کورد^۲ (۱۹۶۹) به بررسی تأثیر ۲۰ روز تمرینات آمادگی جسمانی بر بهره هوشی (اندازه گیری شده با مقیاس هوش وکسلر^۳) پسران کم توان ذهنی با درجه متوسط (میانگین بهره هوشی = ۶۶) پرداخت و عنوان نمود که در مقایسه با گروه کنترل، تمرینات آمادگی جسمانی موجب بهبود کل نمرات مقیاس بهره هوشی و مقیاس شفاهی گروه تمرینات ورزشی شده است؛ اما تفاوتی در بهره هوشی عملکردی دو گروه گزارش نگردید (۱۱). نکته قابل توجه این بود که بهره هوشی به دست آمده توسط کودکان حاضر در تمرینات ورزشی، تفاوتی با گروه کنترل نداشت و لذا، پیشنهاد گردید که کسب توجه بهتر در گروه تمرینات ورزشی، بیش تر از فعالیت بدنی موجب بهبود عملکرد در آزمون بهره هوشی می شود. برون^۴ (۱۹۶۷) نیز با بررسی تأثیر شش هفته تمرینات ایزومتریک یا یوگا روی کودکان کم توان ذهنی (با میانگین بهره هوشی = ۳۵) نشان داد که شرکت در تمرینات ورزشی موجب بهبود نتایج آزمون هوش و مقیاس اجتماعی اندازه گیری شده به ترتیب توسط آزمون های استنفورد - بینت^۵ و مقیاس رشد اجتماعی وین لند^۶ شده است (۱۲)؛ در نتیجه، وی گزارش کرد که با توجه به نیاز تکالیف ورزشی به توجه، استفاده از حافظه و فرایندهای علت یابی و کنترل مهارت های حرکتی، این بهبودها با تجربه تکالیف ذهنی به وسیله کودکان هنگام فعالیت ورزشی مرتبط بوده است. در این زمینه، علاوه بر اثرات عمومی فعالیت ورزشی بر عضلات اسکلتی، قلب و عروق و سیستم تنفسی، عوامل متعددی به عنوان واسطه های تأثیر فعالیت ورزشی بر سلامت مغز و سیستم عصبی معرفی شده اند. عامل رشد عصبی مشتق از مغز^۷ به عنوان عضوی از خانواده عوامل رشد عصبی، سلامت، عملکرد و بقای سلول های عصبی را افزایش داده (۱۳) و می تواند از هر دو سو از سد خونی - مغزی عبور کند (۱۴) و به حفاظت نورون ها در برابر رادیکال های آزاد کمک نماید (۱۳، ۱۵). همچنین، به عنوان یکی از عوامل

- 1.....
- 2.....
- 3.....
- 4.....
- 5.....
- 6.....
- 7.....

متأثر از فعالیت ورزشی ممکن است با عملکرد مغز و دیگر بخش‌های سیستم عصبی مرتبط با یادگیری و عملکرد شناختی ارتباط داشته باشد. در این راستا، پژوهشگران ارتباط مستقیمی را بین بیان ژن عامل رشد عصبی مشتق از مغز با عصب‌زایی و شکل‌پذیری نواحی بالای مغز از جمله هیپوکامپ مشاهده کرده‌اند (۱۵). علاوه بر این، عامل رشد عصبی مشتق از مغز می‌تواند در فرایندهای مرتبط با یادگیری نقش داشته باشد. همچنین، رابطه مستقیمی با حافظه بلندمدت (افزایش شکل‌گیری خاطرات از طریق تقویت حافظه طولانی مدت) دارد (۷). عامل رشد عصبی مشتق از مغز از طریق فعال‌سازی مسیرهای پیام‌رسانی درون سلولی درگیر در تکثیر، تمایز و بقای سلولی، نقشی اساسی در عملکرد شناختی؛ به‌ویژه فرایندهای یادگیری و حافظه دارد (۱۶). بر مبنای مطالعات، عوامل رشد عصبی از جمله عامل رشد عصبی مشتق از مغز، نقش مهمی در تکامل ارتباطات سیناپسی در سطح نخاع و ضخیم‌شدن قطر نخاع داشته و به تبع آن موجب انتقال سریع‌تر پیام‌های حسی - حرکتی در سطح نخاع خواهد شد که این تغییرات آکسونی و سیناپسی در سطح نخاع، نقش مهمی را در تکامل حرکتی برعهده دارند (۱۷). مطالعات موجود حکایت از کاهش عوامل رشد عصبی؛ به‌ویژه عامل رشد عصبی مشتق از مغز در افراد مبتلا به اختلالات ذهنی داشته و نقص حرکتی در این گروه از افراد را به‌نوعی با کاهش سطوح این عامل رشدی مرتبط دانسته‌اند (۱۸). علاوه بر این، تغییرات عوامل رشد عصبی؛ به‌ویژه عامل رشد عصبی مشتق از مغز نقش مهمی در ابتلا به اختلالات عصب‌شناختی کودکان مبتلا به اختلال نقص توجه. بیش‌فعالی^۱ (۱۳) و یا کودکان مبتلا به اوتیسم^۲ و کم‌توان ذهنی دارد (۱۹). در این راستا، نلسون^۳ و همکاران (۲۰۰۱) با مطالعه کودکان مبتلا به اوتیسم یا کم‌توان ذهنی نشان دادند که سطح عوامل رشد عصبی؛ به‌ویژه عامل رشد عصبی مشتق از مغز نسبت به هم‌تایان سالم آن‌ها پایین‌تر می‌باشد؛ در نتیجه، عوامل رشد عصبی را به‌عنوان یکی از واسطه‌های مرتبط با معلولیت ذهنی پیشنهاد نمودند (۱۹). علاوه بر این، عامل رشد عصبی مشتق از مغز به‌عنوان یکی از عوامل رابط بین فعالیت ورزشی، تغییرات ساختار مغز و عملکرد شناختی در نظر گرفته شده است (۲۰). فعالیت ورزشی حاد موجب افزایش سطح سرمی عامل رشد عصبی مشتق از مغز در نمونه‌های انسانی می‌شود (۱۴). بر اساس شواهد موجود، دویدن موش‌ها روی چرخ‌گردان^۴ موجب افزایش بیان ژن عامل رشد عصبی مشتق از مغز در آن‌ها می‌گردد (۱۵). در یک مطالعه حیوانی با مقایسه دو نوع تمرین ورزشی (دویدن اجباری روی نوار گردان و فعالیت ورزشی ارادی) نشان داده شد که فعالیت ورزشی داوطلبانه باعث افزایش عصب‌زایی در یک منطقه از

1... ..

2... ..

3... ..

4... ..

هیپوکامپ^۱ به نام "شکنج دنداندار" به عنوان ناحیه شکل‌پذیری عصبی و ذخیره‌سازی خاطرات می‌شود (۲۱). همچنین، فعالیت ورزشی می‌تواند به تغییرات سطوح در گردش عامل رشد عصبی مشتق از مغز در افراد سالم منجر گردد (۲۲). از سوی دیگر، غنی‌سازی محیط از طریق افزایش تعامل اجتماعی و فرصت بیشتر برای انجام فعالیت بدنی می‌تواند تأثیرات مثبتی بر عملکرد ادراکی - حرکتی داشته باشد (۲۳). علاوه بر این، عنوان شده است که ورزش منظم ارتباط مثبتی با بهبود عملکرد شناختی و یادگیری مهارت‌های ادراکی - حرکتی کودکان دارد (۱۰). شکل‌پذیری سیناپسی قشر حرکتی مغز انسان نیز نقش مهمی را در یادگیری رفتارهای حرکتی ایفا می‌کند. بر اساس شواهد موجود، رابطه مثبت و معناداری بین عوامل رشد عصبی مانند عامل رشد عصبی مشتق از مغز، تکامل قشر حرکتی مغز و در نتیجه، بهبود یادگیری مهارت‌های حرکتی وجود دارد (۲۴)؛ به عنوان مثال، فریستج^۲ و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش خود نشان دادند که ترشح عامل رشد عصبی مشتق از مغز وابسته به فعالیت مغز و به ویژه در قشر پیش‌پیشانی^۳، اهمیت زیادی در یادگیری حرکتی دارد (۲۴). همچنین، آن‌ها گزارش کردند که بین یادگیری طولانی مدت مهارت‌های حرکتی با میزان ترشح عامل رشد عصبی مشتق از مغز رابطه وجود دارد (۲۷). مطالعات پیشین اثرات فعالیت بدنی (دویدن) و یادگیری (حرکتی و شناختی) در افزایش بیان ژن و پروتئین عامل رشد عصبی مشتق از مغز در بخش مختلف سیستم عصبی مانند نخاع شوکی، مخچه، قشر مغز و هیپوکامپ را مورد بررسی قرار داده‌اند (۲۶) و از سوی دیگر، قرارگیری به مدت یک سال در یک محیط پیچیده نسبت به حیوانات (در قفس) موجب افزایش سطوح عامل رشد عصبی مشتق از مغز در هیپوکامپ و قشر مغز حیوانات مورد مطالعه شده است (۲۶،۲۷). همچنین، افزایش سطح عامل رشد عصبی مشتق از مغز در قشر حرکتی مغز پس از فعالیت بدنی و یادگیری حرکتی گزارش شده است (۲۸)؛ از این رو، با توجه به کمبود سطح در گردش عوامل رشد عصبی؛ به ویژه عامل رشد عصبی مشتق از مغز در افراد دارای ناتوانی ذهنی (۱۹) و رابطه مثبت سطوح عامل رشد عصبی مشتق از مغز با یادگیری حرکتی و عملکرد شناختی (۲۴)، حرکات موزون روشی است که مورد علاقه کودکان و نوجوانان می‌باشد. این حرکات و فعالیت‌ها، ماهیتی هماهنگ داشته و اجرای مناسب آن‌ها نیازمند اجرای منظم حرکات مختلفی است که دارای توالی خاصی می‌باشند. همچنین، با توجه به هم‌زمانی انجام این حرکات با موسیقی می‌توانند موجب افزایش انگیزه انجام آن توسط کودکان شوند (۲۹). تمرینات ایروبیک شامل یکسری از حرکات منظم با برنامه‌ریزی اجرایی ویژه و ریتمیک است که علاوه بر اثرات فیزیولوژیک می‌تواند موجب بهبود هماهنگی عصب - عضله و تقویت حافظه گردد

1.....

2.....

3.....

(۳۰)؛ لذا، با توجه به نبود شواهدی در زمینه بررسی هم‌زمان تأثیر فعالیت بدنی بر تبحر حرکتی، بهره‌هوشی و عامل رشد عصبی مشتق از مغز، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال می‌باشد که سطح عامل رشد عصبی مشتق از مغز، بهره‌هوشی و تبحر حرکتی کودکان کم‌توان ذهنی چگونه تحت تأثیر فعالیت ورزشی قرار می‌گیرد؟ بنابراین، هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر ۱۲ هفته (سه ماه) فعالیت ورزشی منظم بر سطح سرمی عامل رشد عصبی مشتق از مغز، تبحر حرکتی و بهره‌هوشی کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر بود.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات نیمه‌تجربی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون با دو گروه شاهد و تجربی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش را دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی در حال تحصیل در شهرستان بروجرد در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ تشکیل دادند که از بین آن‌ها ۴۰ دانش‌آموزان پسر (۱۲-۶ ساله) از آموزشگاه‌های استثنایی براساس نمونه‌گیری هدفمند و شرایط ورود به مطالعه (عدم ابتلا به اختلال سندرم‌داون، اختلال نقص توجه و اوتیسم، داشتن سلامت جسمانی و عدم معلولیت جسمانی) انتخاب شدند. جهت انجام پژوهش، ابتدا رضایت‌نامه کتبی برای شرکت در پژوهش از پدر و مادر هر کودک دریافت گردید و سپس، دانش‌آموزان انتخاب‌شده به صورت تصادفی به دو گروه ۲۰ نفری تجربی و شاهد تقسیم شدند. آزمودنی‌های گروه تجربی به مدت سه ماه به اجرای برنامه فعالیت ورزشی پرداختند. برنامه تمرینی شامل سه ماه فعالیت ورزشی منظم به صورت چهار روز در هفته بود که در محیط آموزشگاه و در طول فصل پاییز اجرا شد. شایان ذکر است که هر جلسه تمرین حدود ۴۵ دقیقه به طول می‌انجامید که شامل: ۱۵ دقیقه گرم‌کردن، ۲۵ دقیقه بازی‌های ریتمیک شامل: بازی‌های پرورشی (بازی سایه، ضربه‌زدن به قوطی، بازی موزیکال، پرش از روی طناب یا آب، پرتاب به هدف، بازی با اشکال بر روی زمین، بازی با تخته، شماره بازی با جدول و بازی با نوار شکل) و حرکات ریتمیک (گام درجا، گام آسان، گام هفت، تپ استپ پهلوی، بازی ریتمیک خط، بازی صدا و توپ بازی) و پنج دقیقه سردکردن بود. اثرات مثبت این برنامه تمرینی بر بهبود مهارت‌های حرکتی کودکان کم‌توان ذهنی قبلاً مشاهده شده است (۲۹). باید عنوان نمود که این‌گونه برنامه‌های تمرینی علاوه بر بهبود هماهنگی عصب - عضله می‌توانند موجب بهبود حافظه نیز شوند (۳۰).

ذکر این نکته ضرورت دارد که طی این سه ماه، گروه شاهد به فعالیت‌های روزمره و عادی خود می‌پرداخت و از شرکت در یک برنامه ورزشی منظم و برنامه‌ریزی شده منع شده بود. در روند اجرای پژوهش، خون‌گیری ۴۸ ساعت (پیش‌آزمون) قبل از شروع برنامه تمرینی و نیز ۴۸ ساعت (پس‌آزمون) پس از آخرین جلسه تمرینی از ورید بازویی آزمودنی‌های دو گروه به میزان پنج

میلی لیتر به عمل آمد. سپس، نمونه‌های خون با دور ۱۵۰۰ دور در دقیقه و به مدت ۱۰ دقیقه سانتریفیوژ گشت و پس از جمع‌آوری سرم، نمونه سرمی تا زمان سنجش سطح عامل رشد عصبی مشتق از مغز در دمای ۸۰- درجه سانتی‌گراد نگهداری گردید (۱۳). همچنین، به منظور اندازه‌گیری سطح سرمی عامل رشد عصبی مشتق از مغز، روش الایزا مورد استفاده قرار گرفت. برای این کار از کیت الایزای ویژه سنجش عامل رشد عصبی مشتق از مغز با حساسیت حداقل (پیکوگرم/میلی لیتر) ۱۵/۶ ساخت شرکت پرومگا (آمریکا) با شماره کاتالوگ جی ۷۶۱۱۱ استفاده گردید.

علاوه بر این، به منظور سنجش تبحر (شایستگی) حرکتی آزمودنی‌ها از آزمون تبحر حرکتی لینکلن - اوزرتسکی^۲ استفاده شد. این آزمون برای سنجش تبحر حرکتی کودکان شش تا ۱۴ ساله طراحی شده است (۳۱). نواحی تحت پوشش این آزمون عبارت هستند از: مهارت‌های حرکتی ظریف و درشت، مهارت و سرعت حرکت انگشتان و هماهنگی چشم و دست. این آزمون دارای ۳۶ تکلیف به ترتیب از ساده به مشکل شامل: راه رفتن به سمت عقب، ایستادن روی یک پا، لمس بینی خود، پریدن از روی طناب، پرتاب توپ و گرفتن آن، جای‌گذاری سکه در داخل یک جعبه، پریدن و کفزدن، حفظ تعادل روی پنجه پا در حالی که دست‌ها باز و بسته می‌شوند و حفظ تعادل روی یک میله می‌باشد. نمره کل این آزمون از طریق حاصل جمع نمرات خام خرده‌آزمون‌های حرکات درشت شامل: مجموع نمرات خرده‌آزمون‌های تعادل (هشت آیتم)، سرعت دویدن (یک آیتم)، هماهنگی دوطرفه (هفت آیتم) و هماهنگی اندام فوقانی (نه آیتم) و حرکات ظریف شامل: مجموع نمرات خرده‌آزمون‌های سرعت پاسخ‌دهی (یک آیتم)، شاهد حرکتی بینایی (هشت آیتم) و چالاک‌اندام فوقانی (هشت آیتم) محاسبه می‌شود (۳۲). لازم به ذکر است که این آزمون اطلاعات مربوط به هماهنگی ایستای عمومی^۳، هماهنگی پویای عمومی^۴، هماهنگی دستی پویا^۵، سرعت^۶ و حرکات هم‌زمان^۷ را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. برای بررسی پایایی این آزمون در ایران از روش دونیمه‌کردن بهره گرفته شده است که ضرایب پایایی با استفاده از فرمول اسپیرمن - بروان برای پسران معادل (۰/۹۶) بوده و هم‌بستگی کلی نمرات با سن در پسران نیز معادل (۰/۸۷) می‌باشد (۳۳). در این پژوهش از تمامی دانش‌آموزان به صورت انفرادی آزمون به عمل آمد و در فاصله آزمون‌ها و خرده‌آزمون‌ها به آن‌ها استراحت داده شد. این آزمون از ساعت هشت صبح تا ۱۲ ظهر

1. (. . . .)

2.

3.

4.

5.

6.

7.

طی دو روز (یک روز گروه تجربی و یک روز گروه شاهد) و در یک مکان واحد برای پیش‌آزمون و پس‌آزمون اجرا شد. ذکر این نکته ضرورت دارد که تمامی خرده‌آزمون‌های این آزمون برای هر آزمودنی طی یک جلسه اندازه‌گیری شده و هر آزمودنی سه بار حرکت را انجام می‌داد و امتیاز بهترین اجرا برای وی در نظر گرفته می‌شد (تمامی آزمودنی‌ها مورد تشویق قرار می‌گرفتند و شرایط انجام پیش‌آزمون و پس‌آزمون یکسان در نظر گرفته شده بود).

علاوه بر این، به منظور ارزیابی میزان بهره‌ی هوشی آزمودنی‌ها، قبل و بعد از اجرای برنامه‌ی تمرینات ورزشی از آزمون ترسیم آدمک گودیناف به عنوان تست هوش استفاده شد. این آزمون برای تعیین درجه‌ی هوشمندی سن عقلی و بهره‌ی هوشی کودکان سه تا ۱۳ سال مورد استفاده قرار می‌گیرد. هنگام اجرای این آزمون از کودکان خواسته شد که یک آدم ترسیم کرده و هرچه می‌تواند آن را زیبا و خوب ترسیم نماید. لازم به ذکر است که در این آزمون زمان محاسبه نمی‌شود و به هریک از اجزای آدمک (برای مثال سر، پا، دست، تنه، طول بدن طویل‌تر از عرض آن و غیره) در صورتی که توسط کودک ترسیم شده باشد، یک نمره تعلق می‌گیرد. در مجموع، ۵۱ آیتم برای نمره‌دهی وجود دارد و حداکثر نمره کسب‌شده توسط هر فرد ۵۱ می‌باشد که با استفاده از جدول مخصوص، نمره خام تبدیل به سن عقلی شده و بهره‌ی هوشی (سن عقلی \times سن تقویمی \times ۱۲) محاسبه می‌گردد. روایی و اعتبار این آزمون برای کودکان شش تا ۱۰ سال معادل (۰/۷۴) و اعتبار آن در مقایسه با آزمون رنگی ریون برابر با (۰/۲۴) گزارش شده است (۳۴).

در این پژوهش برای تشخیص طبیعی بودن توزیع داده‌ها از آزمون شاپیرو - ویلک استفاده شد. همچنین، آزمون آنالیز کوواریانس^۱ پس از بررسی و تأیید تمامی پیش‌فرض‌های این آزمون شامل: توزیع طبیعی نمرات، همگونی واریانس، پایایی، اجرای هم‌پراش قبل از شروع مطالعه، همگونی شیب رگرسیون و هم‌بستگی خطی متغیر هم‌پراش با متغیر مستقل برای تجزیه و تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. برای مقایسه پیش‌آزمون دو گروه شاهد و تجربی نیز از آزمون تی مستقل بهره گرفته شد. شایان ذکر است که تحلیل داده‌ها با استفاده از بسته نرم‌افزاری تحلیل آماری^۲ نسخه ۲۱ و در سطح معناداری ($P \leq 0.05$) صورت گرفت.

نتایج

نتایج آزمون تی^۳ مستقل نشان می‌دهد که به جز هماهنگی عمومی پویا، تفاوت معناداری بین مقادیر پیش‌آزمون دو گروه وجود نداشته است (جدول شماره ۳ه). براساس نتایج آزمون تحلیل کوواریانس،

1...
2... ..
3... .. .

۱۲ هفته فعالیت بدنی منظم باعث افزایش معنادار سطوح سرمی عامل رشد عصبی مشتق از مغز می‌شود (... ..) (جدول شماره چهار). همچنین، براساس نتایج تغییر معناداری در نمره کل آزمون تبحر حرکتی (... ..) و خرده‌مقیاس‌های هماهنگی عمومی پویا (... ..)، هماهنگی دستی پویا (... ..) و سرعت مشاهده می‌شود (... ..)؛ اما این تغییر در خرده‌مقیاس حرکات اختیاری هم‌زمان کودکان کم‌توان‌ذهنی آموزش‌پذیر وجود ندارد (... ..) (جدول شماره چهار). شایان‌ذکر است که اجرای این دوره از برنامه ورزشی موجب تغییر معنادار میزان هوش‌بهر نشده است (... ..) .

جدول ۱- میانگین پیش‌آزمون و پس‌آزمون عامل رشد عصبی مشتق از مغز و نمره هوش در دو گروه شاهد و تجربی

متغیر	گروه	عامل رشد عصبی مشتق از مغز (بیکوگرم / میلی لیتر)		نمره هوش	
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
تجربی	پیش‌آزمون	۵۴۶	۲۲	۸۰/۱۵	۵/۱۶
	پس‌آزمون	۶۸۱	۷۱	۸۰/۶۵	۴/۹۵
شاهد	پیش‌آزمون	۵۷۶	۶۳	۸۰/۷۵	۴/۴۸
	پس‌آزمون	۶۴۰	۲۵	۸۰/۹۰	۴/۵۲

جدول ۲- میانگین پیش‌آزمون و پس‌آزمون قابلیت ادراکی - حرکتی اوزر تسکی در دو گروه شاهد و تجربی

متغیر	گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
نمره کل تبحر حرکتی لینکلن - اوزر تسکی	تجربی	۳۱/۲	۲۴/۴۴	۳۸/۲	۲۱/۲۳
	شاهد	۳۸/۲۵	۱۶/۷۸	۳۸/۱	۱۵/۵۲
هماهنگی عمومی ایستا	تجربی	۸	۵/۳۶	۸/۹	۴/۶۸
	شاهد	۹/۳۵	۵/۱۵	۹/۵	۴/۳۱
هماهنگی عمومی پویا	تجربی	۳/۴۵	۲/۹۶	۵/۴۵	۳/۳۳
	شاهد	۴/۵	۲/۹۶	۴/۶	۲/۸۳
هماهنگی دستی پویا	تجربی	۴/۵۵	۵/۴۸	۷/۰۵	۵/۰۱
	شاهد	۶	۴/۰۷	۵/۸۵	۳/۹۶
سرعت	تجربی	۴/۳۵	۵/۵۵	۵/۱۵	۵/۱۹
	شاهد	۶/۸۵	۴/۷۱	۶/۷۰	۴/۹۰
حرکات اختیاری هم‌زمان	تجربی	۵/۶۵	۵/۰۵	۶/۱۰	۴/۶۳
	شاهد	۵/۹۰	۳/۴۰	۵/۸۰	۳/۲۳

جدول ۳- مقایسه پیش‌آزمون گروه‌های شاهد و تجربی

متغیر	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	سطح معناداری
عامل رشد عصبی مشتق از مغز.	تجربی	۵۴۶	۲۲	۰/۶۹۹
	شاهد	۵۷۶	۶۳	
بهره هوشی	تجربی	۸۰/۱۵	۵/۱۶	۰/۵۶۶
	شاهد	۸۰/۷۵	۴/۴۸	
نمره کل تبحر حرکتی لینکلن - اوزرتسکی	تجربی	۳۱/۲	۲۴/۴۴	۰/۱۲۱
	شاهد	۳۸/۲۵	۱۶/۷۸	
هماهنگی عمومی ایستا	تجربی	۸	۵/۳۶	۰/۳۸۱
	شاهد	۹/۳۵	۵/۱۵	
هماهنگی عمومی پویا	تجربی	۳/۴۵	۲/۹۶	۰/۰۰۱
	شاهد	۴/۵	۲/۹۶	
هماهنگی دستی پویا	تجربی	۴/۵۵	۵/۴۸	۰/۱۴۱
	شاهد	۶	۴/۰۷	
سرعت	تجربی	۵/۵۵	۴/۳۵	۰/۱۳۳
	شاهد	۶/۸۵	۴/۷۱	
حرکات اختیاری هم‌زمان	تجربی	۵/۶۵	۵/۰۵	۰/۱۶۷
	شاهد	۵/۹۰	۳/۴۰	

*تغییر معنادار در سطح ($P \leq 0.05$)

براین اساس، میزان هماهنگی عمومی پویای دو گروه در پیش‌آزمون تفاوت معناداری را نشان می‌دهد (.)؛ درحالی‌که برای دیگر متغیرها تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود.

جدول ۴- نتایج آزمون تحلیل کوواریانس برای متغیرهای مورد آزمایش در گروه‌های شاهد و تجربی

متغیر	منبع تغییرات	مجموع تغییرات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره اف	سطح معناداری	اندازه اثر
عامل رشد عصبی مشتق از مغز .	مدل تصحیح شده	۴۰۴۶/۵۶	۲	۲۰۲۳/۲۸	۱۳/۷۱	۰/۰۰۰	۰/۵۰
	عامل پیش‌آزمون	۲۱۴۸۲/۷۸	۱	۲۱۴۸۲/۷۸	۱۴/۵۷	۰/۰۰۱	۰/۲۰
	عامل گروه	۲۰۸۳۵/۲۹	۱	۲۰۸۳۵/۲۹	۱۴/۱۳	*۰/۰۰۱	۰/۰۵
نمرات آزمون هوش	مدل تصحیح شده	۸۰۹/۷۳	۲	۴۰۴/۸۶	۳۳۱/۱۱	۰/۰۰۰	۰/۵۵
	عامل پیش‌آزمون	۸۰۹/۱۰	۱	۸۰۹/۱۰	۶۶۱/۷۱	۰/۰۰۰	۰/۲۲
	عامل گروه	۰/۹۰	۱	۰/۹۰	۰/۷۴	۰/۳۹۵	۰/۲۲
مجموع نمرات آزمون رشد حرکتی لینکلن - اوزرتسکی	مدل تصحیح شده	۱۲۴۵۹/۷۳	۲	۶۲۲۹۸/۸۶	۳۳۳/۴۰	*۰/۰۰۰	۰/۹۳
	عامل پیش‌آزمون	۱۲۴۵۹/۶۳	۱	۱۲۴۵۹/۶۳	۶۶۶/۸۰	۰/۰۰۰	۰/۹۳
	عامل گروه	۳۷۱/۸۴	۱	۳۷۱/۸۴	۱۹/۹۰	۰/۰۰۰	۰/۳۳
هماهنگی عمومی ایستا	مدل تصحیح شده	۶۹۸/۶۳	۲	۳۴۹/۳۱	۱۷۰/۵۹	۰/۰۰۰	۰/۹۰
	عامل پیش‌آزمون	۶۹۵/۰۳	۱	۶۹۵/۰۳	۳۳۹/۴۲	*۰/۰۰۰	۰/۹۰
	عامل گروه	۲/۴۳	۱	۲/۴۳	۱/۱۹	۰/۲۸۲	۰/۲۰
هماهنگی عمومی پویا	مدل تصحیح شده	۲۰۱/۶۳	۲	۱۰۰/۹۳	۲۲/۰۸	۰/۰۰۰	۰/۱۰
	عامل پیش‌آزمون	۱۹۴/۶۳	۱	۱۹۴/۶۳	۴۲/۵۸	۰/۰۰۰	۰/۹۰
	عامل گروه	۲۶/۴۰	۱	۲۶/۴۰	۵/۷۷	*۰/۰۲۱	۰/۰۱
هماهنگی دستی پویا	مدل تصحیح شده	۶۳۹/۲۴	۲	۳۱۹/۶۲	۷۸/۴۹	۰/۰۰۰	۰/۸۱
	عامل پیش‌آزمون	۶۲۴/۸۴	۱	۶۲۴/۸۴	۱۵۳/۴۵	۰/۰۰۰	۰/۸۰
	عامل گروه	۵۷/۰۶	۱	۵۷/۰۶	۱۴/۰۱	*۰/۰۰۱	۰/۲۵
سرعت	مدل تصحیح شده	۸۹۳/۲۰	۲	۴۴۶/۶۰	۲۱۸/۰۸	۰/۰۰۰	۰/۹۴
	عامل پیش‌آزمون	۸۷۴/۹۸	۱	۸۷۴/۹۸	۴۲۷/۲۶	۰/۰۰۰	۰/۹۴
	عامل گروه	۹	۱	۹	۴/۳۹	*۰/۰۴۳	۰/۱۷
حرکات اختیاری هم‌زمان	مدل تصحیح شده	۳۸۴/۱۲	۲	۱۹۲/۰۶	۵۲۷/۳۹	۰/۰۰۰	۰/۹۸
	عامل پیش‌آزمون	۳۴۸/۰۲	۱	۳۴۸/۰۲	۱۰۵۴/۵۱	۰/۰۰۰	۰/۹۶
	عامل گروه	۱/۰۶	۱	۱/۰۶	۲/۹۲	۰/۰۹۵	۰/۱۲

* تغییر معنادار در سطح (P≤0.05)

براین اساس، نمره کل آزمون تبحر حرکتی لینکلن - اوزرتسکی (... ..) و خرده‌مقیاس‌های هماهنگی عمومی پویا (... ..) و هماهنگی دستی پویا (... ..) تغییر معناداری یافته‌اند. سطح سرمی عامل رشد عصبی مشتق از مغز نیز افزایش معناداری را نشان می‌دهد (... ..).

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تأثیر سه ماه فعالیت ورزشی (بازی‌های ورزشی و حرکات موزون) بر عامل رشد عصبی مشتق از مغز، بهره هوشی و تبحر حرکتی کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر مورد بررسی قرار گرفت. براساس یافته‌ها، به‌جز هماهنگی عمومی پویا، تفاوت معناداری بین مقادیر پیش‌آزمون دیگر

متغیرهای مورد مطالعه بین دو گروه تجربی و شاهد مشاهده نمی‌شود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که این دوره از فعالیت ورزشی موجب افزایش معنادار سطح عامل رشد مشتق از مغز و تبحر (شایستگی) حرکتی این گروه از کودکان شده است؛ اما میزان هوش بهر آزمودنی‌ها پس از این دوره از فعالیت ورزشی تغییر معناداری نیافته است.

مطالعات ورزشی در زمینه تأثیر کلاس‌های درس تربیت‌بدنی و شرکت در فعالیت ورزشی حکایت از تأثیر مثبت شرکت در این برنامه بر رشد شناختی و حرکتی کودکان و بهبود عملکرد تحصیلی آن‌ها دارد (۳۵). دو سازوکار برای این‌گونه اثرات فعالیت بدنی بر بهبود عملکرد حرکتی و شناختی ارائه شده است: سازوکار فیزیولوژیکی شامل: افزایش جریان خون مغزی، تغییر سطوح انتقال‌دهنده‌های عصبی مغز، تغییرات ساختاری سیستم عصبی مرکزی و تغییر سطوح برانگیختگی و سازوکارهای یادگیری/ تکاملی که در آن حرکت و فعالیت بدنی موجب فراهمی تجارب یادگیری می‌شود و به تبحر حرکتی و شناختی کمک می‌کند (۱۰). علاوه بر این، در پژوهش حاضر تغییر معناداری در میزان هوش بهر آزمودنی‌ها مشاهده نگردید که یکی از دلایل این عدم تغییر شاید طول دوره مطالعه باشد؛ زیرا، در مطالعاتی که تأثیر معنادار فعالیت بدنی بر هوش بهر را گزارش کرده‌اند، طول دوره برنامه ورزشی شش ماه و یا حتی دو سال بوده است (۳۵). در برخی از مطالعات دیگر نیز تأثیر فعالیت بدنی روزانه با شدت متوسط تا شدید بر عملکرد شناختی کودکان مبتلا به سندرم نقص توجه گزارش شده است و این پژوهشگران به نوعی اذعان کرده‌اند که هرچه میزان فعالیت بدنی و مدت‌زمان پرداختن به آن طولانی‌تر باشد، اثرات بیش‌تری بر عملکرد شناختی خواهد داشت (۳۶). همچنین، در ارتباط با تأثیر فعالیت بدنی بر عملکرد شناختی و پیشرفت تحصیلی کودکان، سبیلی و اتنیر (۲۰۰۳) در یک مطالعه فراتحلیل با بررسی ۴۴ پژوهش صورت‌گرفته در این زمینه نشان دادند که فعالیت بدنی به‌شکل معناداری با بهبود عملکرد شناختی کودکان مرتبط می‌باشد (۱۰). تقی‌پور جوان و همکاران (۲۰۱۳) نیز با بررسی تأثیر سه ماه بازی‌های ریتمیک بر عملکرد توجه و عملکرد حافظه کودکان کم‌توان ذهنی گزارش کردند که این گروه از حرکات، تأثیر مثبتی بر بهبود مشکلات توجه، توجه عمومی حافظه و مشکلات عمومی یادگیری در کودکان کم‌توان ذهنی دارد (۲۹). از سوی دیگر، در برخی از مطالعات، اندازه‌گیری بهره هوشی به‌عنوان یکی از شاخص‌ها برای بررسی تأثیر فعالیت ورزشی بر عملکرد شناختی مورد استفاده قرار گرفته است. در این راستا، کوردرا (۱۹۶۹) در پژوهش خود تأثیر تمرینات آمادگی جسمانی بر بهره هوشی (اندازه‌گیری شده توسط مقیاس هوش وکسلر^۲) پسران کم‌توان ذهنی با درجه متوسط (با میانگین بهره هوشی = ۶۶) را مورد بررسی

1... ..

2... ..

قرار داد و گزارش کرد که درمقایسه با گروه کنترل، تمرینات آمادگی جسمانی موجب بهبود کل نمرات مقیاس بهره هوشی و مقیاس شفاهی گروه تمرینات ورزشی شده است؛ اما تفاوتی در بهره هوشی عملکردی دو گروه مشاهده نمی‌شود (۱۱). نکته قابل توجه این بود که بهره هوشی به دست آمده توسط کودکان حاضر در تمرینات ورزشی، تفاوتی با گروه کنترل نداشته و لذا، پیشنهاد شده بود که کسب توجه بهتر در گروه تمرینات ورزشی، بیشتر از فعالیت بدنی موجب بهبود عملکرد در آزمون بهره هوشی می‌شود. برون^۱ (۱۹۶۷) نیز با بررسی تأثیر شش هفته تمرینات ایزومتریک یا یوگا بر روی کودکان کم توان ذهنی (با میانگین بهره هوشی = ۳۵) نشان داد که شرکت در تمرینات ورزشی موجب بهبود نتایج آزمون هوش و مقیاس اجتماعی اندازه گیری شده (به ترتیب) توسط آزمون‌های استنفورد - بینت و مقیاس رشد اجتماعی وین‌لند شده (۱۲) و در نتیجه، با توجه به نیاز تکالیف ورزشی به توجه و استفاده از حافظه، فرایندهای علت یابی و کنترل مهارت‌های حرکتی، این بهبودها با تجربه تکالیف ذهنی به وسیله کودکان هنگام فعالیت ورزشی مرتبط بوده است. لازم به ذکر است که بخش اعظم بهره هوشی با عوامل ژنتیکی مرتبط می‌باشد؛ از این رو، به نظر می‌رسد که عدم مشاهده بهبود در میزان بهره هوشی در پژوهش حاضر درمقایسه با مطالعات دیگر، به نوع برنامه ورزشی مرتبط باشد؛ زیرا، در آن مطالعات بیشتر از تمرینات ورزشی برای بهبود آمادگی جسمانی استفاده شده بود (۱۱، ۱۲)؛ در حالی که در پژوهش حاضر بیشتر از فعالیت‌های ورزشی که بازی و حرکات موزون را در برمی‌گرفت، بهره گرفته شده است. همچنین، تفاوت در نوع آزمون مورد استفاده برای سنجش بهره هوشی در پژوهش حاضر با مطالعات دیگر، شاید یکی دیگر از علل عدم همخوانی در بهبود بهره هوشی با آن مطالعات باشد.

بر مبنای مطالعات، توانایی و تبحر حرکتی و بهبود مناسب آن با نسبت‌های متفاوتی تحت تأثیر وراثت و عوامل محیطی قرار می‌گیرد. یکی از عوامل محیطی مؤثر در تبحر حرکتی، ایجاد فرصت یادگیری و محیط‌های پویا برای کسب تجربیات حرکتی در دوره‌های حساس رشدی، به ویژه دوران کودکی می‌باشد (۳۷). با توجه به این موضوع، یکی از اهداف پژوهش حاضر بررسی تأثیر یک محیط پویا و مؤثر (از طریق پرداختن به فعالیت ورزشی) بر تبحر (شایستگی) حرکتی کودکان کم توان ذهنی آموزش پذیر بود. در این راستا، نتایج نشان داد که ۱۲ هفته فعالیت بدنی منظم (انجام حرکات موزون و ایروبیک) باعث افزایش معنادار تبحر حرکتی این گروه از کودکان شده است. همچنین، این دوره از فعالیت ورزشی علاوه بر تأثیر معنادار بر نمره کل مقیاس تبحر حرکتی موجب تغییر معنادار برخی از خرده مقیاس‌های این آزمون مانند هماهنگی عمومی ایستا، هماهنگی عمومی پویا، هماهنگی دستی پویا، سرعت حرکت و حرکات اختیاری هم‌زمان شده بود. از جمله ویژگی‌های

کودکان دارای ناهنجاری‌های حسی - حرکتی می‌توان به مشکل اجرای مهارت‌های حرکتی درشت، درک فضایی، زمانی، جسمانی و جهت‌یابی و اختلال مهارت‌های حرکتی ظریف اشاره کرد (۲). این مشکلات منجر به فقر حرکتی، ضعف جسمانی و انجام ناشیانه اعمال حرکتی در این گروه از افراد خواهد شد. عملکرد مناسب مغز انسان مستلزم این است که از طریق محرک‌های محیطی تحریک شود. شایان ذکر است که اهمیت این تحریکات برای رشد حسی - حرکتی دوران کودکی تأیید شده است (۳). در این ارتباط، نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های یون^۱ (۵) و رحبان‌فرد (۶) مطابقت دارد. با توجه به مشاهده تغییرات معنادار در خرده‌مقیاس‌های مربوط به تعادل ایستا و پویا و همچنین هماهنگی و سرعت در این پژوهش و همخوانی آن با دیگر مطالعات (۶)؛ به‌عنوان مثال رحبانی‌فرد و همکاران، تأثیر مثبت فعالیت بدنی بر بهبود تعادل ایستا و پویا و نیز هماهنگی کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر گزارش می‌شود. همچنین، عنوان می‌گردد که فعالیت بدنی بازی کردن می‌تواند به رشد و تکامل این جوانب مهم از مهارت حرکتی کودکان کم‌توان ذهنی منجر شود؛ زیرا، همان‌گونه که قبلاً ذکر گردید، این گروه از افراد اغلب با اختلال در اجرای مهارت‌های حرکتی و اجزای آن مواجه می‌باشند. همچنین، انجام فعالیت‌های روانی - حرکتی و بازی‌درمانی باعث بهبود تبحر حرکتی در کودکان کم‌توان ذهنی می‌شود (۳۸). در تبیین این نتایج می‌توان چنین گفت که انجام فعالیت‌هایی مانند استفاده از جعبه لمسی در بهبود مهارت لمس کردن که مهارت بسیار ویژه‌ای برای کودکان کم‌توان ذهنی مبتلا به نابینایی می‌باشد، بسیار مؤثر است (۳۸). علاوه بر این، باید به نقش فعالیت‌های بازی‌گونه مانند ایروبیک در کاهش اضطراب و تعادل فکری و روحی این کودکان که موجب ایجاد زمینه‌ای برای انجام فعالیت‌های حرکتی به‌شکل صحیح و بدون استرس و بهبود تبحر حرکتی آن‌ها می‌شود، اشاره کرد (۳۸). براساس یافته‌های این پژوهشگران و نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت که فعالیت ورزشی، فعالیت بدنی و بازی کردن به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای توانایی شناختی - حرکتی را تحت‌تأثیر قرار داده و می‌تواند منجر به بهبود تبحر حرکتی شود.

شواهد موجود بیانگر نقش مثبت فعالیت ورزشی بر مغز و سیستم عصبی می‌باشد. عامل رشد عصبی مشتق از مغز به‌عنوان یکی از عوامل متأثر از فعالیت ورزشی، نقشی محوری در سلامت سلول‌های عصبی دارد (۱۴). در مطالعات ورزشی صورت‌گرفته در ارتباط با جوندگان، اثر فزاینده دوییدن روی نوار گردان بر سطوح عامل رشد عصبی مشتق از مغز هیپوکامپ مشاهده شده و از آن به‌عنوان یکی از عوامل مرکزی مؤثر بر انعطاف‌پذیری مغز یاد شده است (۱۵). همچنین، در برخی از مطالعات تأثیر فعالیت بدنی بر عملکرد شناختی نشان داده شده است. واین من^۲ و همکاران (۲۰۰۴) عنوان

1.... .

2.... .

کرده‌اند که عملکرد یادآوری و یادگیری حیوانات تمرین کرده نسبت به گروه غیرفعال بهتر می‌باشد. همچنین، آن‌ها در حیواناتی که سریع‌تر از آزمون ماز عبور کرده بودند، افزایش بیان ژن عامل رشد عصبی مشتق از مغز را مشاهده کرده و بین سطوح عامل رشد عصبی مشتق از مغز و میزان یادگیری، رابطه مثبتی را گزارش نمودند (۳۹). در مطالعات صورت‌گرفته روی نمونه‌های انسانی نیز بین سطوح عامل رشد عصبی مشتق از مغز و فرایندهای شناختی از جمله حافظه و عملکرد اجرایی رابطه مشاهده شده است (۴۰)؛ برای مثال، اریکسون^۱ و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهش خود تأثیر مثبت فعالیت ورزشی هوازی بر سطوح عامل رشد عصبی مشتق از مغز سرمی و همچنین، حافظه فضایی را گزارش نمودند (۴۰). کاهش سطح عامل رشد عصبی مشتق از مغز در کودکان کم‌توان ذهنی و ارتباط یادگیری مهارت‌های حرکتی با سطح عامل رشد عصبی مشتق از مغز (۲۴) نشان می‌دهد که تغییرات در سطوح عوامل رشد عصبی مانند عامل رشد عصبی مشتق از مغز شاید نقش مؤثری در تغییرات عملکردی و مهارت‌ها داشته باشد. این نتایج می‌تواند بیانگر تأثیر فعالیت‌های حرکتی بر سیناپس‌زایی در سلول‌های سیستم عصبی و بروز نتایج آن در عملکرد حرکتی افراد نیز باشد؛ در نتیجه، براساس نتایج پژوهش حاضر ممکن است افزایش سطح عامل رشد عصبی مشتق از مغز پس از یک دوره تمرین ورزشی، نقش مؤثری در بهبود تبحر حرکتی کودکان کم‌توان ذهنی داشته باشد؛ به‌شکلی که قرارگیری کودکان کم‌توان ذهنی در برابر محرک محیطی فعالیت بدنی (بازی و حرکات موزون)، علاوه بر تغییر سطح عامل رشد عصبی مشتق از مغز می‌تواند به‌نوعی روند رشد مهارت‌های حرکتی در این گروه از افراد را تحت تأثیر خود قرار دهد؛ از این‌رو، به‌نظر می‌رسد که فعالیت ورزشی علاوه بر سازگاری‌های فیزیولوژیکی و بهبود سطح تندرستی ممکن است از طریق افزایش سطح عامل رشد عصبی مشتق از مغز، موجب بهبود تبحر حرکتی در کودکان کم‌توان ذهنی شود.

در مجموع و براساس یافته‌های پژوهش حاضر، فعالیت بدنی منظم باعث افزایش هم‌زمان سطح سرمی عامل رشد عصبی مشتق از مغز و تبحر حرکتی کودکان کم‌توانی ذهنی می‌شود؛ در نتیجه، فعالیت بدنی ممکن است از طریق افزایش سطح عامل رشد عصبی مشتق از مغز موجب بهبود تبحر حرکتی کودکان کم‌توان ذهنی گردد. در پایان، باید خاطرنشان ساخت که از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به جنسیت آزمودنی‌ها (پسر) و طول دوره تمرینات ورزشی اشاره کرد. با توجه به تأثیر شدت و مدت تمرینات ورزشی بر میزان ترشح عامل رشد عصبی مشتق از مغز و نیز تأثیر معنادار تمرینات آمادگی جسمانی بر میزان بهره‌هوشی کودکان کم‌توان ذهنی پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آتی، تأثیر هم‌زمان شدت فعالیت ورزشی بر سطح عامل رشد عصبی مشتق

استناد به مقاله

عيسى نژاد امين، پرنو عبدالحسين، كاظمى عبدالرضا، اسلامى رسول، پيرى شيو،
حسينى سيده آزاده. تأثير فعالية بدني منظم بر تغييرات سطح سرمي عامل رشد
عصبى مشتق از مغز، بهره هوشى و تبحر حرکتى کودکان کم توان ذهنى. رفتار
حرکتى. تابستان ۱۳۹۶؛ ۹(۲۸): ۲۸-۱۰۹.
شناسه دیجیتال:

Mental Retardation Children's

پرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

